

زهرارفتیم. به عبارت دیگر در اعداد و رقم ما عقب‌تر رفتیم. چشم‌انداز رویکرد اثباتی دارد. برای مثال اگر دو میلیون معتاد در آن مقطع داشتیم، به این معنی است که در افق سند چشم‌انداز می‌خواهم هیچ معتادی در کشور نباشد، یعنی در مقام برنامه‌نویسی و سندنویسی مثبت نگاه می‌کنیم. حالا شما می‌پرسید شما به خوبی‌ها دعوت کردید، اما چرا در عمل به یک شکل دیگری اتفاق افتاد؟ من این عقب‌افتادگی را محصول بی‌کیفیتی نظام حکمرانی می‌دانم. به‌جهد بر این باوریم که توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی علل مختلف و متغیرهای فراوانی دارد. اگر باز هم می‌پرسید بن‌مایه‌ها کدام‌اند؟ می‌گویم بن‌مایه توسعه‌یافتگی نظام حکمرانی و کیفیت نظام حکمرانی است. یعنی کیفیت نظام حکمرانی است که می‌تواند مرا به توسعه برساند.

◀ فراز و فرود نظام حکمرانی ما به چه

صورت بود؟

تقریباً تا پایان برنامه پنجم قبل از انقلاب، نظام حکمرانی در ایران نمره قابل قبولی داشت. یعنی مشخص بود که این کشور چقدر ظرفیت داشت، اما با هیچ یعنی با منابع محدود توانستیم یکی از کشورهای سرآمد در رشد اقتصادی باشیم. ما بنا بود که نمره قابل قبول‌تری داشته باشیم. ما تکلیف داریم که متناسب با زمان جلو برویم، بنابراین در برنامه پنجم قبل از انقلاب که باید جلوتر می‌رفتیم، با تورم و ناترازی‌ها مواجه شدیم؛ ناترازی‌هایی که به انقلاب منجر شد. ما یک انقلاب داریم، اما یادمی‌رود که اشاره کنیم که هر انقلابی دارای بار ارزش‌هاست. نسل ما در انقلاب به دنبال آزادی، سلامتی، برابری و اخلاق بود. اما امروز ما یادمی‌رود

است که ارزش‌ها را فرابگیریم و حفظ کنیم و براساس این ارزش‌ها و تحقق آنها نظام حکمرانی ما شکل بگیرد و برنامه داشته باشیم. ما دنبال عدالت بودیم، یعنی عدالت در قدرتی که از آن مردم است و حکومت کارگزار مردم است. ما به دنبال عدالت در ثروت بودیم. این ارزش‌ها اعتبار بسیاری دارد. اما ما برای این ارزش‌ها نظام‌سازی نکردیم. سال ۱۳۶۲ را سال برنامه اعلام کردند و نزدیک ۲ تا ۳ هزار کارشناس دانشگاهی و سازمان برنامه، برنامه اول را نوشتند، برنامه اولی که مصوب نشد. بعداً در سال ۱۳۶۷ که پس از پذیرش قطعنامه صلح مسلح داشتیم و آقای مهندس موسوی نخست‌وزیر بودند، این برنامه تجمیع‌شده را به مجلس دادند. ما گفتیم در این برنامه ۴ هدف داریم، یکی اینکه نظام‌سازی صورت بگیرد که در آن مقطع همه نهادها با همدیگر دعوا داشتند. دوم احیای مناطق جنگی، سوم تثبیت اقتصاد بود و چهارم نوسازی نیروهای مسلح.



آقای احمدی نژاد گفت این کتاب یعنی برنامه چهارم توسعه، آمریکایی است. من نامه‌ای برای آقای احمدی نژاد نوشتم و گفتم شما بگویید ستاری فر آمریکایی است، هیچ اشکالی ندارد، اما قانونی که دو مجلس، رهبری و شورای نگهبان تصویب و تأیید کردند آمریکایی نیست. نامه‌ای نوشتیم اما جوابی داده نشد

◀ شما نقش مردم را در حرکت به سود سند چشم‌انداز یا رسیدن به اهداف آن را چطور می‌دیدید؟

دولت همیشه باید خودش را اصلاح کند. برای این منظور لازم است تا همیشه تازیه ملت به عنوان صاحبان حق، بر دولت جاری و ساری باشد؛ حالا یا تازیه خود ملت یا تازیه رسانه‌ها و احزاب. در سند چشم‌انداز بنا بود دولت در ۵ سال اول، یعنی از سال ۸۴ به بعد بسترسازی کند؛ بسترسازی برای قابلیت‌ها، نهادها و قانونمندی‌ها. اگر امروز وضع ما خوب نیست، به این دلیل است که نهادمند و قانونمند نیستیم. سپس گفتیم منظومه‌ای از قوه مجریه، قضائیه و مقننه مشخص شود که در آن فرآیند ارتباطی میان این بخش‌های اصلی نظام حکمرانی مشخص شده باشد. اما امروز دلایل و نشانه‌های بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد همگرایی در ارکان حکمرانی ما وجود ندارد. وقتی نظام حکمرانی کشور همگرایی نداشته باشد، کشور دچار عقب‌افتادگی می‌شود و نتیجه‌اش مثلاً در بروز ناترازی‌ها دیده می‌شود. برای همین، گفتیم که در ۵ سال اول سند چشم‌انداز، ما به دنبال ایجاد یک دولت ظرفیت‌ساز هستیم، یک دولت قانونمند و به دنبال دولت وفاق هستیم. دولت انسجام، دولت امنیت و ثبات و دولتی که پی‌ریز عرصه آزادی است.

◀ چرا در گام اول سند چشم‌انداز، که همان برنامه چهارم توسعه می‌شد، رسیدن به یک دولت بسترساز را به عنوان مقصد یا هدف تعیین کردید؟

بنا بود در ۵ سال اول بعد از سند چشم‌انداز، یعنی برنامه چهارم، یک دولت بسترساز شویم، به این دلیل که در بررسی تحولات اقتصادی دنیا، می‌دیدیم

